

## روش و عملکرد عمومی نجاشی در فهرست

رحیمه شمشیری\*

دکتر مهدی جلالی\*\*

## چکیده

احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی (م ۴۵۰ق) از فهرست نگاران مهم شیعه و فهرست او از قدیمی‌ترین فهرست‌های شیعی است. گرچه نجاشی بیشتر به عنوان عالم رجالی و فهرست او یکی از کتاب‌های چهارگانه اساسی رجالی شیعه شناخته شده، لیکن در این مقاله به کتاب او صرفاً به عنوان فهرست اصول و مصنفات نگارسته‌ایم و سعی نموده‌ایم روش نجاشی را در بیان اطلاعات عمومی درباره نویسندگان و مؤلفات آنان و چگونگی ارائه آن به دست آوریم.

کلید واژه‌ها: فهرست، نجاشی، مؤلفات، آثار.

## مقدمه

دانش فهرست، علمی است که از خصوصیات و مشخصات کتاب‌ها و نویسندگان آن بحث می‌کند.<sup>۱</sup> در گذشته معمولاً برای متون و نوشته‌های عموماً مذهبی، فهرست‌هایی به صورت سیاهه تهیه می‌شد. البته شیوه کار در گذشته با شیوه فهرست نویسی امروزی کاملاً متفاوت بوده است. به هر صورت در گذشته، نوشتن مشخصات کتاب‌شناختی کتاب‌ها و رساله‌ها را - که به منظور خاصی انجام می‌گرفت - «فهرست‌نگاری» یا «فهرست‌برداری» می‌نامیدند.<sup>۲</sup>

در وجه نیاز به فهرست‌نویسی اصول و مصنفات گفته شده:

محدثان قرن دوم و سوم پی بردند که دروغ‌گویان، همان طور که حدیث جعل می‌کنند، کتاب هم

\* . استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\* . فهرست‌نویسی، اصول و ارزش‌ها، ص ۲۰.

\* . کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱ . تحقیق درباره کتاب کافی، ص ۱۸.

می‌نویسند و به دروغ به بزرگان نسبت می‌دهند و گاهی یک فصل یا یک باب یا زاید بر آن بر یک کتاب معتبر می‌افزایند یا چیزی از آن کم می‌کنند و این کار در آن روزگار که چاپ وجود نداشت و نسخه‌های کتاب، معدود و بلکه غالباً منحصر به فرد و در انحصار یک شخص بود، بسیار آسان بود. به علاوه، زیاد اتفاق می‌افتاد که چند نفر برای کتاب خود یک اسم انتخاب می‌کردند و این امر باعث می‌شد که کتاب‌های آنان با هم اشتباه شود یا دو نفر در اسم و کنیه مشترک بودند و معلوم نبود کتاب منسوب به این اسم، اثر کدام یک از آنهاست و چه بسا یکی از آن دو نفر مورد اطمینان بود و دیگری مورد سوء ظن. ملاحظه این نوع محذورات سبب شد که دانشمندان، علاوه بر آثار خود، کتاب‌های دیگران را هم فهرست کنند.<sup>۳</sup>

در میان اسامی کتاب‌های برخی علمای شیعه در قرن سوم و چهارم، نام فهرست نیز دیده می‌شود؛ از جمله مهم‌ترین و قدیمی‌ترین فهرست‌های بر جای مانده شیعه امامیه، فهرست نجاشی است.

احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی (م ۴۵۰ق) از فهرست نگاران مهم شیعه و فهرست او از قدیمی‌ترین فهرست‌های شیعی است. گرچه نجاشی بیشتر به عنوان عالم رجالی و فهرست او یکی از کتاب‌های چهارگانه اساسی رجالی شیعه شناخته شده، لیکن در این نوشتار به کتاب او صرفاً به عنوان فهرست اصول و مصنفات نگریسته‌ایم و سعی نموده‌ایم روش نجاشی را در بیان اطلاعات عمومی مربوط به نویسندگان و مؤلفات آنان و چگونگی ارائه آن به دست آوریم. اطلاعات مربوط به رجال و جرح و تعدیل مؤلفان و اشخاص را در مقاله دیگری عرضه داشته‌ایم.

#### ۱. ذکر مآخذ و مستندات

نجاشی در جای جای کتابش مطالب خود را به اقوال علما و صاحب نظران پیشین و معاصر خود مستند می‌کند و در موارد بسیاری نیز به طور مستقیم از مشایخ حدیثی خود نقل می‌کند. او در ارجاع مطالب به منابع آن مختلف عمل می‌کند؛ گاه به صورت مبهم و بدون ذکر نام شخصی یا کتابی با استفاده از تعابیری چند، به منبع خود اشاره می‌کند آن تعابیر عبارت‌اند از: «اصحابنا» (ش ۴۱، ۵۶، ۵۸، ۶۸، ۶۲۱، ۵۲۱، ۵۱۸، ۵۱۶، ۲۵۶، ۲۴۰، ۲۳۳، ۲۱۳، ۲۰۸، ۱۸۳، ۱۷۵، ۱۴۹، ۱۴۴، ۱۴۱، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۰۱، ۶۴، ۱۱۴۲، ۹۳۹، ۷۹۳، ۷۵۳، ۷۱۵، ۴، ۱۲۵۵)، «بعض اصحابنا» (ش ۱۲، ۱۴، ۱۸، ۴۶، ۳۵۱، ۱۸۲، ۳۸۸، ۶۶۰، ۵۹۸، ۵۱۳، ۷۹۶، ۷۰۱، ۶۹۲، ۱۱۴۲، ۱۰۴۴، ۸۹۱، ۸۸۴ و ۱۱۹۳)، «شیخنا» یا «شیوخنا» (ش ۲۳۹، ۸۸، ۴۴، ۱، ۷۰۹ و ۱۰۴۷)، «جماعة من اصحابنا» (ش ۱۰۳۰)، «قوم» (۱۰۳۲، ۹۶۶، ۸۹۵، ۶۴۰، ۵۴۶، ۲۴۱، ۲۳۳، ۸۴، ۷۷، ۷۲)، «جماعة» (ش ۸۹۱، ۳۳۶ و ۹۳۱)، «بعض اصحاب النسب» (ش ۱۹۸)، «الناس» (ش ۶۴۰)، «قمیون» (ش ۸۹۱)، «بغدادیون» (ش ۶۱۷)، «آخرون» (ش ۵۴۶)، «اصحاب کتب الرجال» (ش ۴۳۳، ۳۲۰).

۳. تحقیق درباره کتاب کافی، ص ۱۹.

۲۹۰، ۲۷۳، ۲۶۵، ۲۶۰، ۱۲۱، ۵۱، ۵۵۰، ۵۳۰، ۶۲۸، ۶۱۳، ۷۵۱ و ۸۷۰، «اصحاب فهرستات» (ش ۶۴۰، ۱۰۲، ۱۴ و ۸۲۹) و موارد دیگر.

گاه نیز نام صاحب سخن را ذکر می‌کند؛ از جمله، ابن بطه مؤدب (ش ۱۲۹، ۳۳۳، ۷۲۳، ۵۲۳، ۱۲۶۳، ۱۱۷۹، ۹۳۳، ۸۱۸ و ...)، ابن جنید (ش ۶۱۷، ۱۱۳)، ابن عقده (ش ۱۱۷، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۵۲، ۱۲۱۶، ۸۸۸، ۶۳۵، ۴۷۷، ۴۵۷ و ...)، ابن ولید (ش ۱۰۱۹، ۸۶۵)، ابوجعفر کلینی (ش ۱۰۲۶)، ابوعبدالله بن عیاش (ش ۱۱۵۱، ۱۱۲۸، ۱۰۲۵، ۸۵۵، ۶۸۶، ۶۲۰، ۴۴۰، ۲۷۸، ۱۱۲، ۷۹)، ابوالفضل شیبانی (ش ۶۶۵، ۱۱۸۲، ۱۰۳۷)، احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری (ش ۷۴، ۷، ۱۵۴، ۱۱۷، ۱۸۲، ۲۸۷، ۲۲۵، ۹۴۹، ۸۸۶، ۶۷۶، ۵۷۲، ۵۲۷، ۵۱۷، ۴۹۰، ۴۰۸، ۳۹۵، ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۱۳، ۳۱۰، ۳۰۶ و ۱۲۵۴)، احمد بن عبدالواحد بن عبدون (ش ۱۰۲۶، ۳۵۷، ۳۷۹)، احمد بن علی نوح سیرافی (ش ۶، ۶۷، ۱۱، ۴۵۷، ۴۵۶، ۴۵۴، ۴۵۲، ۴۴۸، ۴۴۴، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۲۳، ۴۲۰، ۴۱۳، ۳۹۶، ۳۶۵، ۳۵۶، ۳۵۳، ۳۴۸، ۳۲۵، ۱۹۸، ۱۲۳۲، ۱۲۱۶، ۱۰۹۲، ۱۰۱۷، ۹۶۶، ۹۴۲، ۹۳۶، ۹۲۹، ۹۱۵، ۸۴۶، ۸۴۱، ۶۲۴، ۵۴۲، ۴۹۲، ۴۹۰، ۴۸۹، ۴۷۷ و ...)، بخاری (ش ۳۹۷، ۶)، بلاذری (ش ۷)، جاحظ (ش ۱۴)، حسن بن علی بن فضال (ش ۳۲۸، ۳۴۷، ۸۱۱، ۴۴۹، ۴۱۸، ۱۱۰۸، ۸۵۲)، حسین بن عبیدالله غضائری (ش ۱۰۹۸، ۹۴۴، ۸۳۹، ۸۲۷، ۶۴۰، ۶۱۷، ۶۶۷، ۱۹۲)، حمید بن زیاد (ش ۱۲۵۸، ۹۳۴، ۹۲۰، ۳۷۷، ۳۳۳)، سعد بن عبدالله (ش ۱۳۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۵۳۲، ۵۱۹، ۷۱۰، ۱۱۶۰، ۱۱۴۵، ۱۱۱۵، ۱۱۱۴)، علی بن حسین بن بابویه (ش ۴۶۴)، محمّد بن عبده ناسب (ش ۵۸۰)، محمّد بن عبدالله بن ابراهیم شافعی (ش ۷)، محمّد بن علی بن حسین بن بابویه (ش ۸۹۶، ۴۶۳)، ابوعمرؤ، محمّد بن عمر کشی (ش ۷۸، ۷۳، ۷۲، ۴۹، ۱۸، ۱۲۳۱، ۱۲۰۸، ۸۹۶، ۶۵۹، ۵۲۴، ۲۵۴، ۱۹۸، ۱۷۹، ۸۰)، هارون بن موسی تلکبری (ش ۱۰۳۲) و بسیاری دیگر.

نجاشی از افراد مذکور، مطالبی را در زمینه‌های متفاوت نقل می‌کند؛ اما عمده آن‌چه که از ابن عقده نقل نموده درباره طبعه مؤلف است و این‌که نامبرده از اصحاب کدام امام است. مطالب منقول از حمید بن زیاد و ابن بطه صرفاً در مورد مؤلفات اشخاص است. همچنین، مطالبی که از ابن نوح سیرافی و حسین بن عبیدالله و فرزندش احمد بن عبیدالله بن غضائری نقل نموده عمدتاً درباره آثار و مؤلفات اشخاص و گاه درباره جرح و تعدیل آنان است.

نجاشی در مواردی، استنادات خود را با بیان نام کتاب و نویسنده آن کامل می‌کند: البیان و التبیین، جاحظ (ش ۸۸۷)، التاريخ، احمد بن حسین (بن عبیدالله غضائری) (ش ۱۸۲)، التاريخ، ابوالعباس بن سعید (بن عقده) (ش ۸۹۳)، جواب نامه نجاشی، ابن نوح (سیرافی) (ش ۱۲۷، ۱۳۶)، خط ابوالعباس بن نوح (ش ۸۶۷، ۳۰۲، ۲۸۷، ۲۵۴، ۱۵۸، ۸۶)، ذیل المذیل، محمّد بن جریر طبری عامی مذهب<sup>۴</sup> (ش ۶۵۵)، الرجال، ابوعمرؤ کشی (ش ۸۸۸، ۸۱۷، ۶۷۸، ۸۸، ۷۲، ۳۰، ۷)، الرجال، احمد بن محمّد

۴. نجاشی به نویسنده ذیل المذیل، اشاره‌ای نکرده است.

بن سعید (ابن عقده): (ش ۱۶۹)، الرجال، ابن نوح سیرافی (ش ۴۲۶)، طبقات الشیعة، سعد بن عبدالله (اشعری) (۱۱۷۰، ۱۰۷۱)، الفهرست، ابن بطه مؤدب (ش ۵۰۷، ۱۰۲۳)، الفهرست، حمید بن زیاد (ش ۶۷۵، ۶۱۵)، الفهرست، ابو عبدالله حسین بن حسن بابویه (ش ۴۴۱)، الفهرست، محمد بن حسن بن ولید (ش ۷۱)، الفهرست، ابوالفرج محمد بن اسحاق ابویعقوب ندیم (ش ۲۹۴)، کتاب بغداد، احمد بن ابی طاهر (ش ۷۹۶)، کتاب الحیوان، جاحظ (ش ۳۶۷)، کتاب ذکر من روی عن جعفر بن محمد رضی الله عنه من التابعین و من قاریهم، ابوزرعہ رازی (ش ۷) و مصابیح النور، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (ش ۱۲۰۸).

## ۲. ارائه اطلاعات درباره نویسندگان

### بیان نام و مشخصات مؤلفان

کنکاش‌های نجاشی در اسامی، القاب، کنیه‌ها، انساب، قبایل، موالید و وفیات نویسندگان و بیان اختلاف برخی اقوال در این زمینه‌ها در سراسر فهرست مشهود است.

### بیان نام یا نام‌های متعدد نویسندگان

نجاشی گاه به ذکر اسامی دیگر نویسندگان می‌پردازد و آن را بیان می‌دارد؛ به عنوان مثال، نام دیگر حسن بن زیاد عطار، حسن بن زیاد طایی است.<sup>۵</sup> نمونه‌های دیگر از این دست عبارت است از: ۸۱۷، ۷۴۱، ۵۹۰، ۵۵۶، ۵۵۰، ۵۲۶، ۵۱۵، ۴۹۷، ۲۸ و ...

گاه در اسناد روایات، اسامی نویسندگان همراه با کنیه پدرانشان ذکر می‌شود. نجاشی بعد از ذکر این‌گونه اسامی معمولاً نام پدران آنان را ذکر می‌کند؛ برای نمونه، ثابت بن ابی حمزه، سالم بطائنی است.<sup>۶</sup> برخی نمونه‌های دیگر عبارت است از: ۷۷۸، ۴۴۹، ۳۰۳، ۲۱۵، ۴۹، ۳۲، ۱ و ...

### بیان القاب و کنیه‌ها

نجاشی به بیان القاب و نام‌های مشهور و معروف نویسندگان نیز توجه دارد.<sup>۷</sup> او در مسیر ارائه اطلاعات شناسنامه‌ای هر مؤلف، همواره کنیه آنان را یادآورد می‌شود و اگر شخصی دارای دو کنیه مشهور باشد، هر دو را متذکر می‌گردد. نجاشی درباره سالم بن مکرم می‌نویسد: نامبرده مکنی به ابو خدیجه است، البته به او ابوسلمه نیز گفته‌اند.<sup>۸</sup> گفتنی است شیخ طوسی درباره وضعیت رجالی نامبرده به دلیل عدم تشخیص وجود دو کنیه برای او دچار اشتباه شده و او را - که شخصی موثق بوده -<sup>۹</sup> با شخص دیگری که شباهت اسمی به او داشته و تضعیف

۵. رجال النجاشی، ش ۹۶، ص ۴۷.

۶. همان، ش ۳۴، ۴۷، ۱۰۷۳، ۹۹۳، ۸۲۷، ۸۸۶، ۲۱۱، ۱۹۲ و بسیاری دیگر.

۷. همان، ش ۵۰۱، ص ۱۸۸.

۸. همان، ص ۱۸۸.

شده<sup>۱۰</sup> اشتباه گرفته و تضعیف نموده است.<sup>۱۱</sup> مواردی از این دست عبارت‌اند از: ۵۱۷، ۸۴۶، ۶۷۹، ۸۷۲، ۸۷۱، ۸۷۶، ۱۱۱۲، ۱۱۰۸، ۱۱۰۰ و ...

### بیان انساب

نجاشی به نسب‌های نویسندگان توجه خاصی دارد و معمولاً ذیل شرح احوال آنان، به بیان انساب آنان نیز می‌پردازد. خصوصیتی که در این بخش از کار نجاشی ملاحظه می‌شود، توجه ویژه او به انساب سادات است. همچنین او هر جا که به نام یکی از افراد خاندان اشعری<sup>۱۲</sup> برمی‌خورد، نسب آنان را ذکر و به سعد بن مالک اشعری می‌رساند.

نمونه‌هایی از ذکر انساب سادات بدین قرار است: شماره‌های ۴۸، ۹۲، ۶۰، ۱۱۵، ۹۶۲، ۹۵۱، ۷۰۸۸۵۹۹۳۸، ۷۰۳، ۶۸۷، ۶۷۱، ۶۶۲، ۶۵۳، ۵۹۹، ۵۸۷، ۳۱۴، ۳۰۶، ۱۹۶، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۹، ۹۹۲ و ...

نمونه‌هایی از ذکر انساب خاندان اشعری: شماره‌های ۱۹۸، ۲۶۲، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۷، ۴۷۰، ۶۴۲، ۵۷۰، ۴۹۴، ۹۳۹، ۹۰۵، ۷۸۹، ۶۷۳ و ...

نمونه‌هایی از بیان انساب سایر اشخاص: شماره‌های ۳۰، ۶۹، ۲۰۱، ۳۱۹، ۴۲۸، ۷۲۷، ۱۰۶۷، ۱۰۶۴، ۷۵۲، ۱۰۸۰ و ...

یادآور می‌شویم که نجاشی خود نسابه‌ای توانا بوده و در همین موضوع قبل از تدوین فهرست، کتابی موسوم به انساب بنی نصر بن قعین نگاشته بود.<sup>۱۳</sup> او به دلیل تخصص ویژه‌ای که در علم انساب کسب کرده بود، توجه ویژه‌ای به انساب نویسندگان مبذول می‌داشت.

برخی نیز معتقدند نجاشی با بیان انساب مؤلفان و رساندن بیشتر آنها به عرب‌های اصیل، گوشه و کنایه‌های مخالفان را که می‌گفتند: مؤلفان شیعی، بیشتر از موالی و غیر عرب‌ها هستند و عرب اصیل در آنان کم است، پاسخ داده است.<sup>۱۴</sup>

### زادگاه و محل سکونت اشخاص

از دیگر مواردی که نجاشی در بیان اطلاعات شخصی نویسندگان به آن توجه دارد، زادگاه، محل سکونت و محل رشد و پرورش اشخاص و مواردی دیگر از این دست است. برخی نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۱۸۲، ۱۴۰، ۱۹۸، ۳۳۲، ۲۰۳، ۳۶۹، ۳۴۴، ۶۵۰، ۴۰۱، ۳۷۰، ۸۸۳،

۱۰. نجاشی درباره نامبرده می‌نویسد: حدیثه لیس بالقی و إن کنا لا نعرف منه الا خیراً (ص ۱۹۰). ابن غضایری نیز او را ضعیف و روایات او را مختلط دانسته است (ص ۶۶).

۱۱. النهرست، ص ۲۲۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۴-۲۶.

۱۲. اشعریان خاندانی عرب تبار از مردم قم که به تشیع معروف بودند و از میان آنان رجال و دانشمندان شیعی فراوانی برخاسته‌اند. اشعریان در ترویج مذهب شیعه در ناحیه قم کوشش فراوانی می‌ورزیدند. شمار محدثان اشعری چندان زیاد بوده که تعداد آنان را بیش از صد تن دانسته‌اند و بسیاری از ایشان با ائمه طهارت در تماس بوده‌اند (ر. ک: دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۹۸-۱۹۹).

۱۳. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۴-۵۵.

۱۴. رجال النجاشی، (مقدمه نایینی)، ص ۱۸.

## ذکر موالید و وفیات

نجاشی همچنین در موارد بسیاری سال ولادت و وفات و احياناً شهادت نویسندگان را یادآور می‌شود و در مواردی روز و ماهی که شخص در آن به دنیا آمده یا از دنیا رفته را نیز متذکر گردیده است. او گاه علت و چگونگی ولادت یا وفات مؤلفان، مکان در گذشت و مدفن، متولی غسل و نماز بر آنان را بیان می‌کند.

داستان ولادت شیخ صدوق (بشارت تولدش ضمن توقیعی از جانب امام عصر<sup>ع</sup>)<sup>۱۵</sup> و ابوعلی محمد بن همام (بشارت تولد او ضمن توقیعی از جانب امام حسن عسکری<sup>ع</sup>)<sup>۱۶</sup> به خانواده‌هایشان داده شد و همچنین ماجرای شهادت یعقوب بن اسحاق سکیت،<sup>۱۷</sup> ربیع بن ابی مدرک،<sup>۱۸</sup> احمد بن محمد بن احمد بن طرخان کندی<sup>۱۹</sup> به دلیل پایبندی به مذهب تشیع، در فهرست نجاشی بیان شده است.

از این دست اطلاعات در فهرست نجاشی فراوان یافت می‌شود.<sup>۲۰</sup>

## بیان وجه نام‌ها و القاب نویسندگان

محمد بن احمد بن محمد رحال از آن جهت رحال نامیده شده که پنجاه سفر حج انجام داده است؛<sup>۲۱</sup> حریر بن عبدالله سجستانی - که خود اهل کوفه است - از آن جا که سفرهای تجاری زیادی به منطقه سجستان داشت، به سجستانی معروف گشت؛<sup>۲۲</sup> عبدالله بن میمون بن اسود قذاح، قذاحش گفته‌اند چون شغل او نیزه تراشی بود؛<sup>۲۳</sup> علی بن حسن بن محمد طایی جرمی که نوعی پارچه موسوم به «طاطریه» می‌فروخت، به طاطری معروف شد؛<sup>۲۴</sup> محمد بن خلیل، ابوجعفر سکاکی را به جهت اشتغالش به ضرب سکه سکاکی نامیدند؛<sup>۲۵</sup> محمد بن خالد بن عبدالرحمن برقی به منطقه «برقه رود» منسوب است و آن روستایی در اطراف قم است<sup>۲۶</sup> و....

## یادکرد بستگان و خویشان نویسندگان

نجاشی در شرح حال اشخاص، گاه نام بستگان آنان اعم از فرزندان، پدر، جد، عمو، دایی و... را ذکر می‌کند و اگر آنان به نوعی در امر حدیث و روایت دست اندر کار باشند، به آن اشاره می‌کند و گاه نیز

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| ۱۵. رجال النجاشی، ش ۴۶۸، ص ۲۶۱.   | ۱۶. همان، ش ۱۰۳۲، ص ۳۸۰. |
| ۱۷. همان، ش ۱۲۱۴، ص ۴۴۹.  | ۱۸. همان، ش ۴۳۲، ص ۱۶۴.  |
| ۱۹. همان، ش ۲۱۰، ص ۸۷.  |                          |
| ۲۰. ر. ک: همان، شماره‌های ۸۴، ۳۱۴، ۶۵۳، ۱۱۶۴، ۱۰۶۷، ۹۰۰، ۸۱۷، ۷۱۵، ۷۰۸، ۶۸۴ و ... |                          |
| ۲۱. همان، ش ۲۱۴، ص ۸۸.  | ۲۲. همان، ش ۳۷۵، ص ۱۴۴.  |
| ۲۳. همان، ش ۵۵۷، ص ۲۱۳.   | ۲۴. همان، ش ۶۶۷، ص ۲۵۴.  |
| ۲۵. همان، ش ۸۸۹، ص ۳۲۸.   | ۲۶. همان، ش ۸۹۸، ص ۳۳۵.  |

وضعیت رجالی آنان را مشخص می‌نماید و چنانچه این اشخاص دارای تالیف باشند، عموماً برای آنان عنوان مستقل باز می‌کند. برخی نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۸۰، ۸۱، ۲۲۹، ۱۳۳، ۱۱۶، ۸۹۴، ۸۶۷، ۸۴۱، ۷۷۹، ۷۷۶، ۷۱۹، ۶۸۳، ۵۸۱، ۵۵۱، ۵۲۰، ۴۹۷، ۴۴۵، ۳۸۱، ۳۳۰، ۲۸۱، ۲۷۳، ۲۴۵، ۱۰۷۹، ۱۲۰۷ و ....

### مشخص نمودن تخصیص عمومی نویسندگان

احمد بن محمد بن ربیع، عالم به علم رجال،<sup>۲۷</sup> جعفر بن محمد بن جعفر بن قولویه از بزرگان اصحاب در حدیث و فقه،<sup>۲۸</sup> محمد بن خالد برقی ادیب و عالم به اخبار و علوم عرب<sup>۲۹</sup> و موسی بن حسن بن محمد عالم علم نجوم<sup>۳۰</sup> معرفی شده‌اند. نمونه‌های دیگر از این دست عبارت‌اند از: شماره‌های ۱۵۴، ۷، ۱۶۱، ۹۴۳، ۷۰۴، ۹۴۷، ۱۰۵۳، ۱۱۶۶، ۱۰۸۰ و ....

در پایان سخن از کفایت‌های روش نجاشی در عرضه اطلاعات درباره مؤلفان در نقد روش وی، ضرورت دارد به بعضی کمبودهای روش او نیز اشاره داشته باشیم. نجاشی در مواردی معدود هیچ نوع اطلاعی درباره نویسندگان ارائه نمی‌دهد؛ از جمله شماره‌های ۳۵۸، ۱۱۶۰، ۹۸۰، ۷۷۰، ۵۱۹، ۳۹۰، ۳۷۴، ۳۵۹.

### ۳. ارائه اطلاعات فراوان و ارزشمند درباره مؤلفات و آثار نویسندگان

نجاشی در فهرست خود در زمینه ارائه اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بسیار گسترده عمل کرده است. او مؤلفات و آثار را از جهات مختلف ارزیابی می‌کند و هنگام ضرورت به مطالعات میدانی روی می‌آورد و با در اختیار داشتن کتاب‌ها، شخصاً آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهد و در پایان، نتیجه کاوش‌ها و تحقیقات خود را عرضه می‌دارد. گاه نیز اطلاعات ارائه شده به نقل از بزرگان و صاحب نظران فن است. اینک این مبحث را در چند محور مورد مطالعه قرار می‌دهیم:<sup>۳۱</sup>

#### دقت در انتساب آثار به نویسندگان اصلی

نجاشی به نقل از بعضی اصحاب (بعض اصحابنا) از بعضی مخالفان (بعض المخالفین) که منظور اهل سنت است می‌گوید:

کتاب‌های (محمد بن عمر) و اقدی در واقع همان کتاب‌های ابراهیم بن محمد بن ابی‌یحیی است که واقدی آنها را نقل کرده و به خود بر بسته است.<sup>۳۲</sup>

حسن بن سعید اهوازی با همکاری برادرش حسین بن سعید، کتاب‌های سی گانه‌ای را تألیف

۲۷. همان، ش ۱۸۹، ص ۷۹.

۲۸. همان، ش ۳۱۸، ص ۱۲۳.

۲۹. همان، ش ۸۹۸، ص ۳۳۵.

۳۰. همان، ش ۱۰۸۰، ص ۴۰۷.

۳۱. اطلاعاتی که درباره اعتبار آثار و مؤلفات اشخاص توسط نجاشی ذکر شده است در مقاله‌ای تحت عنوان «روش نجاشی در نقد رجال» آمده است.

۳۲. رجال‌النجاشی، ش ۱۲، ص ۱۵.

کردند، اما این کتاب‌ها بیشتر به نام حسین بن سعید شهرت یافته است.<sup>۳۳</sup> گفتنی است شیخ طوسی کتاب‌های سی گانه مزبور را فقط به حسین بن سعید نسبت داده است.<sup>۳۴</sup> کتابی که به ابو عیسی وراق (محمد بن هارون) نسبت داده شده، در واقع از ثبیت بن محمد است.<sup>۳۵</sup>

کتاب جعفر بن یحیی بن علاء گاه، با کتاب پدرش اشتباه می‌شود؛ زیرا او کتاب پدرش را روایت کرده است، لذا گاه کتاب به پدر و گاه به پسر نسبت داده می‌شود.<sup>۳۶</sup>

به جابر بن یزید جعفی کتاب‌ها و احادیثی نسبت داده شده؛ از جمله رساله ابی جعفر الی اهل البصره، که نجاشی در انتساب این موارد به او تردید می‌ورزد و آنها را ساختگی می‌داند.<sup>۳۷</sup> نجاشی بعد از ذکر دو کتاب برای عبدالله بن ابراهیم بن محمد متذکر می‌گردد که این کتاب‌ها را به بکر بن صالح منسوب می‌دارند.<sup>۳۸</sup>

نجاشی ظاهراً در انتساب کتابی به عبدالله بن علاء مذاری تردید می‌کند، او هنگام ذکر آن می‌نویسد:

گفته‌اند او کتاب وصایا دارد.

و همچنین گویند این کتاب در اصل از محمد بن عیسی بن عبید است و عبدالله بن علاء از او روایت کرده است.<sup>۳۹</sup>

نجاشی پس از ذکر طریق خود به کتاب فضایی عبدالرحمن بن ابی نجران می‌نویسد:

این کتاب در واقع، همان کتاب محمد بن قیس است که عبدالرحمن آن را از عاصم بن حمید و او از محمد بن قیس روایت کرده است و عبدالرحمن در آن زیاداتی وارد کرده است.<sup>۴۰</sup>

کتابی که در فهرش به عبدالملک بن عتبه نسبت داده شده از عبدالملک بن عتبه نخعی است، نه از عبدالملک بن عتبه هاشمی لهبی.<sup>۴۱</sup> گفتنی است شیخ طوسی در فهرست خود کتاب را به عبدالملک بن عتبه هاشمی نسبت داده است.<sup>۴۲</sup>

نجاشی می‌گوید گروهی از اساتیدمان کتاب منسوب به علی بن حسین بن فضال - که موسوم به اصفیاء امیرالمؤمنین علیه السلام است - ذکر کرده و گفته‌اند این انتساب ساختگی است و اصل و ریشه‌ای ندارد.<sup>۴۳</sup>

از جمله آثار علی بن ابراهیم بن هاشم کتابی معروف به المشذر است و خداوند می‌داند که این

۳۴. الفهرست، ص ۱۳۶، ۱۴۹.

۳۶. همان، ش ۳۲۷، ص ۱۲۶.

۳۸. همان، ش ۵۶۲، ص ۲۱۶.

۴۰. همان، ش ۶۲۲، ص ۲۳۵.

۴۲. الفهرست، ص ۳۱۶.

۳۳. همان، ش ۱۳۶ و ۱۳۷، ص ۵۷.

۳۵. رجال النجاشی، ش ۳۰۰، ص ۱۱۷.

۳۷. همان، ش ۳۳۲، ص ۱۲۹.

۳۹. همان، ش ۵۷۱، ص ۲۱۹.

۴۱. همان، ش ۶۳۵، ص ۲۳۹.

۴۳. رجال النجاشی، ش ۶۷۶، ص ۲۵۸.



کتاب از اوست یا به او نسبت داده‌اند.<sup>۴۴</sup>

ظاهراً نجاشی در انتساب کتاب تفسیر الباطن - که آکنده از مطالب نادرست (تفسیر باطنی شریعت) است - به محمد بن آورمه تردید می‌کند؛ زیرا او سایر آثار نامبرده را صحیح دانسته و می‌گوید این کتاب را به او نسبت داده‌اند.<sup>۴۵</sup>

قمی‌ها به یوسف بن عقیل بجلی کتابی را نسبت داده‌اند، اما نجاشی صراحتاً نظر خود را بیان می‌کند و می‌نویسد:

به نظر من کتاب مذکور از محمد بن قیس است.<sup>۴۶</sup>

#### بیان آثار مشترک نویسندگان

ابراهیم بن محمد اشعری به همراه برادرش، فصل، کتابی را تألیف نمودند.<sup>۴۷</sup>

حسین بن بسطام و برادرش عبدالله (ابوعتاب) کتابی در موضوع طب گرد آوردند.<sup>۴۸</sup> نمونه‌های دیگر آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۲۲۹، ۱۳۶، ۳۲۸، ۳۵۲ و ۱۱۲۵.

#### تصریح به فقدان کتاب برای برخی اشخاص

بنابر نقل نجاشی، کسی از اصحاب (شیعیان) برای حسن بن عطیه حناط - که نامش در کتب فهارس ذکر شده - اثری ذکر نکرده است.<sup>۴۹</sup>

حسن بن علوان کلبی عامی مذهب که نسبت به برادرش به ما نزدیک‌تر است، صاحب اثری نیست.<sup>۵۰</sup>

عبدالملک بن عتبه هاشمی لهبی، کتاب ندارد.<sup>۵۱</sup>

#### بیان نسخه‌های مختلف آثار

نجاشی معمولاً در معرفی آثاری که دارای نسخ متعددی هستند، تعداد نسخ آنها را یادآور شده و بعضاً آنها را واریسی نموده و اختلاف نسخه‌ها، سالم یا مخدوش بودن آنها و نیز ضعف و قوت بسند و طریق نسخه را متذکر گردیده است.<sup>۵۲</sup>

بنابر نقل نجاشی کتاب السنن و الاحکام و القضا یا ابورافع، دو نسخه دارد: یکی به روایت ابوالعباس و دیگری به روایت کوفی‌ها. نجاشی به نقل از اساتیدش، اختلاف میان دو نسخه را متذکر می‌شود.<sup>۵۳</sup>

۴۵. همان، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹.

۴۴. همان، ش ۶۸۰، ص ۲۶۰.

۴۷. همان، ش ۴۲، ص ۲۴ و ش ۸۴۵، ص ۳۰۹.

۴۶. همان، ش ۱۲۲۱، ص ۴۵۲.

۴۸. همان، ش ۷۹، ص ۳۹ و ش ۵۶۷، ص ۲۱۸.

۴۹. همان، ش ۹۳، ص ۴۶.

این در حالی است که شیخ طوسی نامبرده را دارای کتابی می‌داند (الفهرست، ش ۱۸۸، ص ۱۳۲).

۵۱. همان، ش ۶۳۵، ص ۲۳۹.

۵۰. رجال‌النجاشی، ش ۱۱۶، ص ۵۲.

۵۳. رجال‌النجاشی، ش ۱، ص ۵.

۵۲. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۳۶.

از کتاب علی بن ابورافع نیز دو نسخه وجود دارد که میان این دو نسخه اختلاف اندکی وجود دارد.<sup>۵۴</sup>

کتاب جمیل بن صالح اسدی دو نسخه دارد که یکی به روایت قمی‌ها و دیگری به روایت کوفی‌ها است.<sup>۵۵</sup>

نجاشی به نقل از حسین به عبدالله غضائری دربارهٔ سند کتاب ریان بن صلت می‌نویسد: در نسخه‌های دیگر از این کتاب دیدم که ریان بن شیبب نوشته بود.<sup>۵۶</sup>

این بار نجاشی به نقل از احمد بن حسین بن عبدالله غضائری (ابن غضائری) دربارهٔ کتاب شعر حبیب بن اوس می‌نویسد:

نسخه‌ای کهن از اشعار نامبرده را دیده‌ و احتمال داده که نگارش آن نسخه در زمان شاعر یا اندکی پس از او باشد.<sup>۵۷</sup>

نجاشی پس از ذکر کتاب عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه اختلاف میان نسخه‌های کتاب را یادآور می‌شود و در این باره می‌نویسد که تفاوت اندکی میان نسخه‌های کتاب وجود دارد اما سرآغاز آنها مختلف هستند.<sup>۵۸</sup>

از آن‌جا که راویان کتاب النوادر محمد بن ابی‌عمیر زیاد بوده‌اند، لذا نسخ آن متعدد و میان آنها اختلاف وجود دارد.<sup>۵۹</sup>

برخی نمونه‌های دیگر را می‌توان ذیل این شماره‌ها جست: ۱۰۷، ۶۷۶، ۵۷۲، ۲۶۷، ۲۵۰، ۱۰۹ و ...

#### شناساندن راوی یا راویان کتاب‌ها

کتاب نوادر ثابت بن صفیه (ابوحمزہ ثمالی) را حسن بن محبوب<sup>۶۰</sup> و کتاب ابوطالب ازدی را محمد بن خالد برقی<sup>۶۱</sup> از نویسندگان آنها روایت نموده‌اند.

ابوبدر کتابی دارد که افراد زیادی از جمله محمد بن سنان آن را روایت کرده‌اند.<sup>۶۲</sup>

ضحاک حضرمی کتابی در توحید دارد که علی بن حسن طاطری آن را روایت کرده است.<sup>۶۳</sup> و بسیاری نمونه‌های دیگر، از جمله شماره‌های: ۴۷۰، ۱۲۵۲، ۵۳۲، ۴۸۲، ۶۱۴ و ...

۵۵. همان، ش ۳۲۹، ص ۱۲۷.

۵۷. همان، ش ۳۶۷، ص ۱۴۱.

۵۹. همان، ش ۸۸۷، ص ۳۲۷.

۶۱. همان، ش ۱۲۵۵، ص ۴۵۹.

۶۳. همان، ش ۵۴۶، ص ۲۰۵.

۵۴. همان، ش ۲، ص ۶.

۵۶. همان، ش ۳۳۷، ص ۱۶۵.

۵۸. همان، ش ۶۱۲، ص ۳۳۰.

۶۰. همان، ش ۲۹۶، ص ۱۱۶.

۶۲. همان، ش ۱۲۲۹، ص ۴۵۴.

## بیان موضوع و محتوای آثار

- حسین بن بسطام و برادرش کتابی در موضوع طب گردآوردند.<sup>۶۴</sup>
- کتاب الکفر و الفتر حسن بن علی بن ابی عقیل در موضوع امامت است.<sup>۶۵</sup>
- کتاب الحدائق احمد بن محمد بن حسین قمی در واقع همان کتاب الاعتقاد اوست که وی برای فرزندش، محمد، نگاشته و موضوع آن توحید است.<sup>۶۶</sup>
- جعفر بن ورقاء کتابی در موضوع امامت امام علی علیه السلام و فضیلت ایشان بر اهل بیت علیهم السلام دارد که آن را حقائق التفضیل فی تأویل التنزیل نامیده است.<sup>۶۷</sup>
- خالد بن یحیی کتابی بزرگ درباره امامت نگاشته و آن را کتاب المنهج نام نهاده است.<sup>۶۸</sup>
- طاهر بن غلام بن حبیب کتابی دارد که در آن سخن از ماجرای فدک آمده است.<sup>۶۹</sup>
- المذیل الکبیر نام یکی از کتاب‌های هشام بن محمد بن سائب است که درباره انساب است و حجم آن نصف کتاب جمهره‌اش است.<sup>۷۰</sup>
- کتاب احمد بن عبدالله بن جلین دوری درباره استاد حدیث «رد الشمس» فراهم آمده از اخبار اهل سنت است. گرچه مؤلف، خود از اصحاب ماست، اما با اهل سنت مرتبط بوده و از آنان روایت کرده است.<sup>۷۱</sup>
- احمد بن عبیدالله بن یحیی کتابی دارد که در آن امام حسن عسکری علیه السلام وصف شده است.<sup>۷۲</sup>
- در کتاب تولیدات بنی امیه فی الحدیث - که از تألیفات ثبیت بن محمد است - احادیث موضوع و ساختگی ذکر شده است.<sup>۷۳</sup>
- در کتابی که حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل کرده، بالغ بر صد و هفتاد حدیث وجود دارد.<sup>۷۴</sup>
- نسخه‌ای از اشعار حبیب بن اوس درباره اهل بیت علیهم السلام موجود است. این نسخه شامل قصیده‌ای است که در آن نام ائمه علیهم السلام تا امام جواد علیه السلام ذکر شده است؛ زیرا شاعر در ایام حیات امام جواد علیه السلام از دنیا رفته است.<sup>۷۵</sup>
- حماد بن عیسی کتابی دارد که در آن عبرت‌ها، مواعظ و مطالبی درباره منافع اعضای انسان و حیوان و نیز برخی مباحث کلامی درباره توحید وجود دارد. نام این کتاب مسائل التلمیذ و فراهم آمده از کلام امام صادق علیه السلام است که حماد پرسیده و امام علیه السلام پاسخ داده‌اند.<sup>۷۶</sup>

۶۴. همان، ش ۷۹، ص ۳۹.

۶۵. همان، ش ۳۱۹، ص ۱۲۴.

۶۶. همان، ش ۳۹۵، ص ۱۵۱.

۶۷. همان، ش ۱۱۶۶، ص ۲۳۴.

۶۸. همان، ش ۲۱۳، ص ۸۷.

۶۹. همان، ش ۳۴۶، ص ۱۳۴.

۷۰. همان، ش ۳۷۰، ص ۱۴۲.

۷۱. همان، ش ۱۰۰، ص ۴۸.

۷۲. همان، ش ۳۱۹، ص ۱۲۴.

۷۳. همان، ش ۵۵۲، ص ۲۰۸.

۷۴. همان، ش ۲۰۵، ص ۸۵.

۷۵. همان، ش ۳۰۰، ص ۱۱۷.

۷۶. همان، ش ۳۶۷، ص ۱۴۱.

کتاب الاثوار و الاثمار علی بن محمد عدوی دو هزار و پانصد صفحه دارد و مطالب آن در قالب شعر بیان شده است. همچنین مؤلف در کتاب مختصر تاریخ طبری اسانید و مطالب تکراری تاریخ طبری را حذف و وقایع سال سیصد و سه تا زمان خود را بدان افزوده است. این کتاب نیز سه هزار صفحه دارد و...<sup>۷۷</sup>

محمد بن محمد بن اشعث کتاب حج دارد. در این کتاب روایات اهل سنت از امام صادق علیه السلام درباره حج ذکر شده است.<sup>۷۸</sup>

کتاب ذکر<sup>۷۹</sup> مفضل بن عمر جعفری درباره آغاز آفرینش و تشویق بر عبرت گرفتن است.<sup>۸۰</sup> هبةالله بن احمد کاتب کتابی تألیف نموده که در آن تعداد امامان، سپرده تن ذکر شده است. او در این مورد به حدیثی از کتاب سلیم بن قیس احتجاج کرده است.<sup>۸۱</sup> مطالبی از این دست بسیار فراتر از آنچه ذکر شد، در فهرست نجاشی وجود دارد.

#### ستایش آثار نویسندگان

نجاشی بسیاری از مؤلفات مذکور در فهرست خود را با الفاظی چون: حسن،<sup>۸۲</sup> جید،<sup>۸۳</sup> سدید،<sup>۸۴</sup> کثیر الفوائد،<sup>۸۵</sup> کثیر العلم،<sup>۸۶</sup> مستوفی،<sup>۸۷</sup> مشهور<sup>۸۸</sup> و... ستوده است. او در این باره گاه مطالب خود را به روایات معصومین و گاه به اقوال اساتید و مشایخ مستند می‌سازد.

کتاب عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه بر امام صادق علیه السلام عرضه شد و امام علیه السلام آن را تأکید نموده و فرمودند:

ایا برای اینان (اهل سنت) کتابی چون این کتاب سراغ دارید؟

بدین ترتیب نجاشی با ذکر عرضه کتاب بر معصوم علیه السلام و نقل بیان امام صادق علیه السلام درباره آن، کتاب را می‌ستاید.<sup>۸۹</sup>

نجاشی از استادش احمد بن علی بن نوح می‌شنود که کتاب مصابیح احمد بن حسن اسفراینی را می‌ستاید و خود نیز در این باره می‌نویسد:

این کتاب نیکو و دارای فواید زیادی است.<sup>۹۰</sup>

کتاب الفرق احمد بن ابراهیم بن معلی بنا بر نقل مشایخ نجاشی، نیکو و شگفت معرفی شده

۷۷. همان، ش ۶۸۹، ص ۲۶۳. ۷۸. همان، ش ۱۰۳۱، ص ۳۷۹.

۷۹. این کتاب، امروزه با نام توحید مفضل معروف است که ظاهراً بعداً توسط دیگران این نام به کتاب مفضل اطلاق شده است.

۸۰. رجال النجاشی، ش ۱۱۱۲، ص ۴۱۶. ۸۱. همان، ش ۱۱۸۵، ص ۴۴۰.

۸۲. همان، ش ۲۰۳، ۹۳۹، ۱۶۱، ۱۴۸، ۷۶، ۸، و... ۸۳. همان، ش ۲۲۶.

۸۴. همان، ش ۱۰۱۹. ۸۵. همان، ش ۷۵، ۲۳۱، ۸۱، و...

۸۶. همان، ش ۱۰۱۸، ۷۶. ۸۷. همان، ش ۶۶۷، ۲۴۲، ۲۰۹.

۸۸. همان، ش ۶۶۴، ۱۰۰. ۸۹. همان، ش ۶۱۲، ۲۳۱، ص ۲۳۱.

۹۰. همان، ش ۲۳۱، ص ۹۳.

است، همچنین کتاب *مئال القائل* او بنا بر آنچه گفته‌اند، کتابی نیکو است و مانند آن فراهم نیامده است.<sup>۹۱</sup> برخی نمونه‌های دیگر را می‌توان ذیل شماره‌های: ۲۰۹، ۲۰۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۸۸۶، ۱۱۴۸، ۹۳۹ و ... مشاهده کرد.

### بهره‌گیری از مطالعات و مشاهدات خود و دیگران

نجاشی بویژه درباره مؤلفات اشخاص به مشاهدات خود و دیگران توجه خاصی دارد. او ذیل عناوین و نام‌های برخی اشخاص چون خود، آثارشان را ندیده، برای آنان اثری ذکر نکرده؛ برای نمونه او از آثار ابراهیم بن سلیمان بن ابی‌داحه نامی نبرده است.<sup>۹۲</sup> همچنین او درباره حسن بن عطیه حنابل می‌نویسد:

نه تنها من، بلکه هیچ‌یک از اصحابمان را ندیده‌ایم که برای او کتابی ذکر کنند.<sup>۹۳</sup>

نمونه‌های دیگر آن عبارت است از: ش ۲۱۶، ۲۱۳.

نجاشی، گاه با این‌که آثار را ندیده است، به اقوال پیشینیان اعتماد کرده و نام آثار را به نقل از آنان ذکر می‌کند. او بعد از ذکر کتاب‌های حسن بن محمد بن احمد صفار می‌نویسد:

من خود کتاب‌های او را - که مشهور هم نیستند - ندیده‌ایم، اما اصحابمان آنها را در کتب فهارس ذکر کرده‌اند.<sup>۹۴</sup>

شماره‌های ۲۲۹، ۶۴۰ و ۸۲۹ از این نوع‌اند.

او، گاه شماری از آثار مؤلفان را - که پیش از این، دیگران آنها را در شمار مؤلفات آنان ذکر نکرده‌اند - یاد می‌کند. او کتابی از احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده) موسوم به *تفسیر القرآن* دیده که هیچ‌یک از کسانی که از او روایت کرده یا درباره او سخن گفته‌اند درباره آن کتاب سخنی نگفته‌اند. بنابراین او خود پی کسانی که با مؤلف مزبور لقا و از او سماع داشتند می‌گردد و آنان را - که گروهی از شیعیان، زیدیان و اهل سنت بودند - می‌یابد و اجازه روایت کتاب مذکور را از آنان می‌گیرد.<sup>۹۵</sup> از این قسم است، شماره ۷۰۴.

نجاشی می‌گوید که گروهی از مشایخش انتساب کتاب *اصفیاء امیرالمؤمنین* علیه السلام به علی بن حسن بن علی بن فضال را ساختگی و بدون اساس می‌دانند و روایت آن را به ابن عقده و ابن زبیر نسبت می‌دهند.<sup>۹۶</sup>

همچنین او کتاب *افعل لا تفعل* محمد بن علی بن نعمان احوال را نزد دوست و استادش، ابن غضایری، دیده و آن را بزرگ و نیکو توصیف کرده است.<sup>۹۷</sup>

۹۱. همان، ش ۲۳۹، ص ۹۶.

۹۲. همان، ش ۱۴، ص ۱۵.

۹۳. همان، ش ۹۳، ص ۴۶.

این در حالی است که شیخ طوسی برای نامبرده ذکر کرده است (الفهرست، ص ۱۳۲).

۹۴. رجال‌النجاشی، ش ۱۰۱، ص ۴۸.

۹۵. همان، ش ۲۳۳، ص ۹۴.

۹۶. همان، ش ۶۷۶، ص ۲۵۸.

۹۷. همان، ش ۸۸۶، ص ۳۲۵.

نجاشی آنجا که می‌خواهد از مطالعات و مشاهدات دیگران بهره‌برده، بیشتر از مشاهدات و معلومات ابن‌غضایری، بهره می‌گیرد. نمونه‌های آن را می‌توان ذیل شماره‌های ۲۲۵، ۲۸۷، ۳۰۶، ۳۷۰، ۱۲۵۴، ۶۷۶، ۳۹۵ و ... جست.

همچنین او گاه از مشاهدات ابن‌نوح سیرافی، حسین بن عبیدالله غضایری و شیخ صدوق استفاده کرده است.<sup>۹۸</sup>

نجاشی، گاه از مشاهدات «بعض اصحابنا» درباره آثار و مؤلفات اشخاص بهره می‌برد.<sup>۹۹</sup>

#### سایر موارد

نجاشی به نقل از احمد بن علی بن نوح، خبر از بین رفتن کتاب‌های ابراهیم بن صالح انماطی به جز کتاب النبیة او را داده است.<sup>۱۰۰</sup>

سید مرتضی کتابی به نام الموضح عن جهة اعجاز القرآن دارد که به کتاب صرفه معروف گشته است.<sup>۱۰۱</sup>

علی بن محمد بن یوسف معروف به ان‌خالویه، بیشتر کتاب‌هایش را فروخت.<sup>۱۰۲</sup> در پایان این مبحث باید گفت نجاشی به طور کلی در امر ارائه اطلاعات درباره کتاب‌ها و مؤلفات اشخاص بسیار گسترده عمل کرده، او کتاب‌شناسی‌های وسیعی به‌ویژه ذیل نام اشخاص مهم ارائه داده است.<sup>۱۰۳</sup> و گاه فهرست تفصیلی مطالب کتاب‌ها را به طور مشروح ذکر کرده است.<sup>۱۰۴</sup>

#### ۴. بیان طریق و سند تا مؤلفان و آثارشان

نجاشی در سراسر فهرست سعی می‌کند حجم ناچیزی از کتاب را به بیان طرق روایتی خود اختصاص دهد. او در مقدمه کتاب صراحتاً موضع خود را در قبال ذکر طرق اعلام می‌کند و می‌نویسد:

برای دوری جستن از ذکر طرق کثیر که موجب دور شدن از هدف تألیف فهرست است، ناگزیر برای هر مؤلف، فقط یک طریق ذکر می‌کنیم.<sup>۱۰۵</sup>

نجاشی علاوه بر مقدمه، در جای جای فهرست بویژه آنجا که طرق کتابی بسیار زیاد باشد متذکر این مطلب می‌گردد؛ به عنوان مثال، او هنگام ذکر کتاب جمیل بن دراج که اشخاص زیادی آن را از او روایت کرده‌اند و طرق زیادی هم دارد، مطلب مقدمه کتاب خود را یادآور می‌شود و می‌نویسد:

ناگزیر برای این کتاب هم یک یا دو طریق بیشتر ذکر نمی‌کنیم تا حجم کتاب زیاد نشود چون هدف ما این (ذکر همه طرق) نیست.<sup>۱۰۶</sup>

۹۹. همان، ش ۵۹۸، ۳۵۱، ۷۹۶، ۱۱۹۳، ۸۹۱ و ...

۱۰۱. همان، ش ۷۰۸، ص ۲۷۰.

۱۰۳. همان، ش ۱۰۶۷، ۱۰۴۹، ۹۴۴ و ...

۱۰۵. همان، ص ۳.

۹۸. همان، ش ۶۲۲، ۱۹۸، ۴۶۳، ۴۳۷.

۱۰۰. همان، ش ۱۳، ص ۱۵.

۱۰۲. همان، ش ۶۹۹، ص ۲۶۸.

۱۰۴. همان، ش ۱۲۱۴، ۱۰۴۷، ۶۴۰، ۱۸۲، ۸۶ و ...

۱۰۶. همان، ش ۳۲۸، ص ۱۲۶.

مشابه این کلام نجاشی را می‌توان درباره کتاب‌های ثابت بن شریح،<sup>۱۰۷</sup> عبیدالله بن علی بن ابی‌شعبه جلیبی<sup>۱۰۸</sup> و معاویه بن عمار دهنی<sup>۱۰۹</sup> یافت.

بدین ترتیب نجاشی این قاعده را به جهت اختصار، در سراسر فهرست رعایت می‌نماید و معمولاً اگر مؤلفی یک کتاب یا صد کتاب یا بیشتر از آن داشته باشد در صورتی که آثار متعدد نویسنده دارای طریق مشترک باشند، او فقط یک طریق به آنها ذکر می‌کند. برخی نمونه‌ها بدین قرار است: شماره‌های ۱۰۵۰، ۱۰۴۹، ۱۰۴۶، ۱۰۴۴، ۱۰۴۳، ۱۰۴۲، ۶۴۰ و ...

گاه طریق نجاشی به کتاب‌های مؤلف، مختلف است در این‌جا برای هر یک از آثار نویسنده طریقی جداگانه ذکر می‌کند.<sup>۱۱۰</sup>

نجاشی برای یک اثر به ندرت چند طریق ذکر می‌کند که عمدتاً درباره آثار و مغروف پیش می‌آید؛ به مثل، نجاشی به کتب سی گانه حسین و حسن فرزندان سعید اهوازی هشت طریق<sup>۱۱۱</sup> و به کتاب القضاای محمّد بن قیس که با وصف مغروف قرین گشته است دو طریق<sup>۱۱۲</sup> ذکر نموده است. از این جمله است: شماره‌های ۸۵۸، ۱۸۳ و ...

در مواردی مشاهده می‌شود که نجاشی طرق خود به نویسندگان و مؤلفاتشان را ذکر نمی‌کند. این موارد چند گونه‌اند: برخی از آنها از آن جهت است که نویسندگان آثار از معاصران نجاشی و بعضاً از دوستان او بوده‌اند.<sup>۱۱۳</sup> برخی دیگر ویژه مؤلفاتی است که نجاشی آنها را ندیده و بعضاً نامشان را در کتب فهرس مشاهده کرده است.<sup>۱۱۴</sup> برخی هم هستند که هیچ کدام از وجوه مذکور را ندارند حتی گاه مؤلفات مشهوری وجود دارد که نجاشی طریق خود به آنها را ذکر نکرده است.<sup>۱۱۵</sup>

جست‌وجو در فهرست نجاشی، نشان می‌دهد که او در عین حال که به ضعف ضعیفان تصریح می‌کند، معمولاً طرق خود به ضعف را نیز ذکر می‌کند. این مطلب را شاید بتوان از مطالب مقدمه فهرست او نیز به دست آورد و چنین گفت که نجاشی برای آثار و کتاب‌های هر نویسنده - اعم از معتبر و غیر معتبر - معمولاً یک طریق را ذکر می‌کند. نمونه‌های این مورد زیاد است؛ او طریق خود به کتاب حسن بن عباس حریش رازی را که مطالب آن را پست و مضطرب دانسته، ذکر می‌کند.<sup>۱۱۶</sup> نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: شماره‌های ۵۶، ۱۱۱۲، ۱۲۱۰، ۱۱۱۴.

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| ۱۰۷. همان، ش ۲۹۷، ص ۱۱۶.  | ۱۰۸. همان، ش ۶۱۲، ص ۲۳۰. |
| ۱۰۹. همان، ش ۱۰۹۶، ص ۴۱۱.   | ۱۱۰. همان، ش ۸۶، ۴۹، ۸۵. |
| ۱۱۱. همان، ش ۱۳۶، ۱۳۷، ص ۵۸.                                      | ۱۱۲. همان، ش ۸۸، ص ۴۴.   |
| ۱۱۳. همان، ش ۱۲۴۲، ۱۱۸۴، ۱۰۶۲، ۱۰۵۹، ۶۱، ۲۳۵، ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۹ و ... |                          |
| ۱۱۴. همان، ش ۲۱۶، ۲۱۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۹۳، ۱۴، ۸۲۹.                     |                          |
| ۱۱۵. همان، ش ۱۰۳، ۸۳، ۸۲، ۲۱۸، ۶۰۸، ۲۳۰، ۲۲۶، ۲۲۱، ۲۲۰ و ...      |                          |
| ۱۱۶. همان، ش ۱۳۸، ص ۶۰.   |                          |

نجاشی، گاه طرق خود به بعضی مؤلفات و مؤلفان را با تعبیری چون: غریب،<sup>۱۱۷</sup> مضطرب<sup>۱۱۸</sup> و مظلوم<sup>۱۱۹</sup> مخدوش ساخته و گاه راویان آثار را که نامشان در طریق کتاب آمده تضعیف کرده است. او به نقل از استادش، ابن نوح سیرافی، یکی از طرق هشت گانه‌اش به کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را غریب<sup>۱۲۰</sup> دانسته است.<sup>۱۲۱</sup> همچنین وی خبر از وجود اضطراب در طریق کتاب الوصیه<sup>۱۲۲</sup> عیسی بن مستفاد داده است.<sup>۱۲۳</sup>

یکی از طرق کتاب نوادر محمد بن حسن بن شمون، مظلوم معرفی کرده است.<sup>۱۲۴</sup> بیشتر راویانی که در طریق مؤلفات جابر بن یزید جمعی قرار دارند، تضعیف شده‌اند.<sup>۱۲۵</sup> کتاب خالد بن مادّ قلاسنی دو طریق دارد که بر یکی به دلیل وجود ابوهریره عبدالله بن سلام، خدشه وارد شده است.<sup>۱۲۶</sup>

راوی کتاب‌های سعید بن جناح شخصی ناشناخته و مجهول است.<sup>۱۲۷</sup> راوی کتاب محمد بن حسن جعفری شخصی به نام بلوی است که ضعیف و مطعون شناسانیده شده است.<sup>۱۲۸</sup>

راویان کتاب الایمان و الاسلام مفضل بن عمر جعفری، همه مضطرب الروایة (دارای اضطراب و مختلف در نقل روایت) هستند.<sup>۱۲۹</sup>

میاح مدائنی - که به شدت تضعیف شده - کتابی دارد که محمد بن سنان در طریق آن وجود دارد، او از میاح مدائنی ضعیف‌تر است.<sup>۱۳۰</sup>

نکته دیگری که در پایان این مبحث شایان ذکر است این است که هرگاه همه یا بیشتر اشخاص مذکور در طریق یک اثر، اهل مکانی خاص باشند آن طریق مختص به آنها و به نام آن مکان ثبت

۱۱۷. غریب در اینجا نه به معنای اصطلاحی، بلکه به معنای لغوی آن است و آن به وجود عیب و علتی در طریق مذکور اشاره دارد.  
 ۱۱۸. منظور از اضطراب در سند، تزلزل و بی‌ثباتی در آن است؛ به مثل، گاهی راوی از پدرش از جدش روایت می‌کند و گاه از جدش بدون واسطه و گاه نیز از شخص سومی غیر از این دو (پدر و جد) روایت می‌کند (مقیامن الهدایة، ج ۱، ص ۳۸۸).  
 ۱۱۹. طریقی که در آن اشخاص ناشناخته و مجهول وجود داشته باشد را طریق مظلوم گویند (معجم علوم الحدیث النبوی، ص ۳۲).  
 ۱۲۰. محققان و جوهی چند برای استغراب ابن نوح ذکر کرده‌اند؛ از جمله، آنچه او درباره مقطعی تاریخی بیان داشته با گزارش‌های شیعیان و دیگران درباره همان مقطع ناسازگار است. دیگر آن‌که سندی نازل (کثیر الوسایط) به صورت عالی (قلیل الوسایط) در آن مذکور افتاده است (تهدیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ج ۲، ص ۱۷۵).

۱۲۱. رجال النجاشی، ش ۱۳۶ و ۱۳۷، ص ۶۰.  
 ۱۲۲. در طریق کتاب مزبور، نام ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن هلال بن محمد بن احمد بن سلیمان صابونی آمده است که ظاهراً این نام آمیخته‌ای از نام دو تن از راویان مصری است که اتفاقاً کنیه هر دو ابو عیسی است؛ یکی، عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال نیهانی (رجال النجاشی، ش ۶۱۶، ص ۲۲۲) و دیگری، محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان صابونی (رجال النجاشی، ش ۱۰۲۲، ص ۲۷۴) است که هر دو از مشایخ جعفر بن محمد بن قولویه بودند (مشیخة النجاشی، ص ۹۱).  
 ۱۲۳. رجال النجاشی، ش ۸۰۹، ص ۲۹۸.  
 ۱۲۴. همان، ش ۳۳۲، ص ۱۲۸.  
 ۱۲۵. همان، ش ۳۳۸، ص ۱۴۹.  
 ۱۲۶. همان، ش ۵۱۲، ص ۱۹۱.  
 ۱۲۷. همان، ش ۸۸۴، ص ۳۲۴.  
 ۱۲۸. همان، ش ۱۱۱۲، ص ۴۱۶.  
 ۱۲۹. همان، ش ۸۹۹، ص ۳۳۶.  
 ۱۳۰. همان، ش ۳۳۸، ص ۱۴۹.  
 ۱۲۸. همان، ش ۸۸۴، ص ۳۲۴.  
 ۱۳۰. همان، ش ۱۱۴۰، ص ۴۲۴.



می‌شود. نجاشی از طرقی نظیر: کوفی، قمی و مصری یاد کرده است؛ به مثل، او دو طریق به کتاب جمیل بن صالح اسدی ذکر کرده که یکی به روایت راویان قمی و دیگری به روایت راویان کوفی است.<sup>۱۳۱</sup> نمونه‌هایی از این دست را می‌توان ذیل این شماره‌ها یافت: ۱۱۴۸، ۸۰۹، ۴۸۴ و ...

##### ۵. شناسانیدن نام‌ها و عناوین مختلف مؤلفات نویسندگان

آثار نویسندگان با توجه به نوع مطالب، چگونگی نگارش و نگارندگانشان، عنوان‌های مختلف می‌یابند. در فهرست نجاشی نیز از آثار مؤلفان با عناوین متعدد و متنوع نام برده شده است. کتاب: عنوانی است که در یمان رجالیان به معنای متعارف آن آمده است و در آن کلام معصوم<sup>ع</sup> و جز آن وجود دارد.<sup>۱۳۲</sup> بنابراین آن نامی عام برای همه نوع مؤلفات است. همچنین «نوادر» به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که احادیثی که به هر دلیلی از جمله به علت کم بودن تحت باب خاصی قرار نمی‌گیرد در آن جمع آوری شده است. غالباً هر مؤلفی، یک نوادر هم دارد. این دو عنوان در فهرست نجاشی بسیاری زیاد استعمال شده است؛ به گونه‌ای که در هر صفحه چند مورد از آنها مذکور افتاده است.

اصل: معانی مختلفی برای «اصل» گفته‌اند از جمله این که «اصل» عبارت از مجرد کلام و بیانات معصوم<sup>ع</sup> است.<sup>۱۳۳</sup> و در مقابل «تصنیف» قرار دارد.<sup>۱۳۴</sup> این اصطلاح در فهرست نجاشی نسبت به حجم زیادش در مقایسه با الفهرست شیخ طوسی بسیار کمتر استعمال شده و فقط درباره آثار کمتر از ده تن به کار رفته است که عبارت‌اند از: شماره‌های ۴۴، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۶، ۵۹۲، ۲۶۷، ۵۹۶ و ۱۰۹۸. مصنف (تصنیف): به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر خلاف «اصل»، بر اساس عناوین و ابواب سامان یافته‌اند.<sup>۱۳۵</sup> برخی نمونه‌های آن در فهرست نجاشی عبارت‌اند از: ۱۰۸۰، ۹۴۹، ۶۱۵، ۱۹۳، ۸۵، ۱۹ و ...

مسند: مسانید نزد شیعه عموماً به اهل بیت<sup>ع</sup> نسبت داده می‌شود و آن به مجموعه‌های کم‌حجم حدیثی گفته می‌شود که در آن مجموعه روایاتی که ائمه<sup>ع</sup> از پیامبر<sup>ص</sup> نقل کرده‌اند گردآوری شده است.<sup>۱۳۶</sup> برخی نمونه‌های آن در فهرست نجاشی عبارت‌اند از: شماره‌های ۱۲۱۸، ۱۰۵۵، ۸۴۹، ۶۴۰، ۶۱۷، ۲۳۳.

رسائل: به مجموعه مکاتبات و نامه نگاری‌هایی که بین ائمه<sup>ع</sup> و یارانشان وجود داشته و نگهداری و تدوین آنها غالباً درباره موضوع خاصی بوده است گفته می‌شود.<sup>۱۳۷</sup> برخی نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۶۶۵، ۲۹۶، ۱۰۲۶، ۷۲۴ و ...

۱۳۱. همان، ش ۳۲۹، ص ۱۲۷.

۱۳۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۹.

۱۳۳. مسند نویسی در تاریخ حدیث، ص ۴۲، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

۱۳۳. همان، ص ۳۲ - ۳۳.

۱۳۴. نهایت الدرایة، ص ۵۳۰.

۱۳۷. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۰.

مسائل: مجموعه پرسش‌های شخص از امام علیه السلام به همراه پاسخ امام علیه السلام را مسائل گویند. نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۳۵، ۴۵۸، ۵۹۸، ۵۹۷، ۵۷۳، ۴۷۱، ۴۷۰ و ...  
نسخه: مجموعه روایاتی است که بلا واسطه یا با واسطه از روی اصل استنساخ شده است. ۱۳۸  
نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۳۹۶، ۳۹۸، ۲۷۱، ۲۵۲، ۱۱۲، ۹۵، ۳۴، ۶، ۵۰۶، ۴۷۵ و ...  
گفتنی است پس از کتاب و نوادر، بیشترین عنوانی که نجاشی ذکر کرده، نسخه است که راویان از معصومان علیهم السلام روایت کرده‌اند.

مجالس: غالباً به کتاب حدیثی اطلاق می‌شود که شیخ حدیث، در مجالس متعدد آن را املاء فرموده باشد و از این رو آن را «امالی» نیز گویند. ۱۳۹ شماره‌های ۱۳۱، ۷۵ از این دست است. ۱۴۰  
جامع: به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که شامل تمام ابواب حدیث است (مدیر شانه‌چی، ص ۲۷) و در نگارش آنها از کتاب‌ها و اصول اولیه، حداکثر استفاده شده و خود را از هر جهت از محتویات آن کتاب‌ها غنی ساخته‌اند. ۱۴۱ برخی نمونه‌های آن عبارت‌اند از: شماره‌های ۱۹، ۱۰۴، ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۸۰، ۱۰۳۳، ۷۶۶، ۶۶۹، ۵۵۳، ۳۳۹ و ...

### ۶. تعیین طبقه مؤلفان

نجاشی در ابتدای فهرست نام شش تن از مؤلفان را تحت عنوان «ذکر الطبقة الاولى» بیان کرده است که همگی صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله و یا از یاران امام علی علیه السلام بودند. همچنین او گاه با بیان اصطلاحاتی نظیر صحابی و تابعی به طبقه راوی تصریح می‌کند. ۱۴۲  
نجاشی، گاه با قرار دادن مؤلفان در شمار اصحاب ائمه علیهم السلام، طبقه آنان را شناسانده است. ۱۴۳  
اگر شخصی از راویان ائمه علیهم السلام باشد، نجاشی بدان تصریح می‌کند. ۱۴۴  
ظرافت و دقتی که در این بخش از کار نجاشی دیده می‌شود این است که او آن دسته از راویانی را که موفق به دیدار و ملاقات با امام علیه السلام شده‌اند نیز می‌شناساند. ۱۴۵

۱۳۸. اصول علم الرجال، ص ۲۶۳. ۱۳۹. علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۳۰.  
۱۴۰. نمونه‌هایی که برای هر یک از رسائل، مسائل و مجالس در فهرست نجاشی نشان داده‌ایم، صرفاً مواردی است که به نوعی معصوم علیه السلام در آنها نقش دارند. نام بسیاری از رسائل و مسائلی که میان اشخاص معمولی رد و بدل شده و نام مجالس بسیاری از مؤلفان نیز در فهرست ذکر شده است. ۱۴۱. «تحقیق درباره کتاب کافی»، ص ۵۱.  
۱۴۲. رجال النجاشی، شماره‌های ۲، ۶۵۵.  
۱۴۳. همان، شماره‌های ۸۰، ۴۹، ۱۸، ۸۸، ۱۲۱۲، ۱۰۹۸، ۶۵۹، ۲۷۲.  
۱۴۴. همان، شماره‌های ۳۶، ۳۴، ۳۰، ۲۸، ۲۶، ۸، ۴۱ و ...  
۱۴۵. همان، شماره‌های ۱۸۰، ۲۴، ۷، ۲۵۰، ۱۹۸، ۲۹۶، ۳۳۲، ۴۵۳، ۴۶۷ و ...

نکته‌ای که در این بخش از تحقیق بدان رسیدیم این است که نجاشی گاه درباره اشخاص به ملاقات همراه با روایت آنان از امام علیه السلام تصریح می‌کند. اما در مواردی صرفاً ملاقات اشخاص با امام علیه السلام را یاد آور شده است. با مراجعه به رجال شیخ طوسی و بررسی تمام مواردی که نجاشی صرفاً متذکر ملاقات راویان با ائمه علیهم السلام شده، معلوم می‌شود ملاقات با امام علیه السلام (لقی)، روایت از ایشان را نیز دربردارد. مگر در مواردی که مطلبی خلاف آن وجود داشته باشد. مؤید این نکته، مواردی است که نجاشی درباره

گاه از تعابیر دیگری می‌توان به هم‌عصر بودن اشخاص با ائمه علیهم‌السلام پی برد؛ از جمله، در شمار اصحاب خاص معصومین قرار دادن آنان <sup>۱۴۶</sup> و بیان سال ولادت و وفات مؤلفان. <sup>۱۴۷</sup>

نجاشی در مورد تعیین طبقه نویسندگانی که در دوره بعد از حضور معصومان علیهم‌السلام بوده‌اند چندگونه عمل نموده است:

#### ذکر اصحاب مؤلفان

نجاشی با بیان اصحاب مؤلفان مشهور که طبقه آنان مشخص است، طبقه اصحاب آنان را نیز مشخص نموده است؛ به مثل، احمد بن حارث از اصحاب مفضل بن عمر معرفی شده است، <sup>۱۴۸</sup> جعفر بن محمد بن جعفر بن قولویه از برگزیده‌ترین یاران سعد (بن عبدالله اشعری) است. <sup>۱۴۹</sup> نمونه‌های دیگر عبارت است از: شماره‌های ۸۴۰، ۷۳۲، ۶۵۸.

#### شناساندن راویان مؤلفان و محدثان

جعفر بن عبدالله رأس مذری از شماری از بزرگان اصحاب از جمله: حسن بن محبوب، محمد بن ابی‌عمیر، حسن بن علی بن فضال و... روایت کرده است. هارون بن موسی نیز از او روایت کرده است. <sup>۱۵۰</sup>

محمد بن ولید خزاز از یونس بن یعقوب، حماد بن عثمان و کسانی که در طبقه این دو نفر بودند روایت کرده است و تا زمان حیات محمد بن حسن صفار و سعد (بن عبدالله) زنده بود و آن دو را ملاقات نموده است. <sup>۱۵۱</sup>

#### بیان سالزاد و سالمرگ نویسندگان

نمونه‌هایی از این نوع را می‌توان ذیل شماره‌های ۱۰۲۰، ۶۹۱، ۳۳۹، ۲۰۱ و... ملاحظه نمود.

#### تردید در آرای موجود درباره طبقه مؤلفان

نجاشی بعد از نقل عبارات ابوعمرو کثی درباره ابراهیم بن هاشم کوفی مبنی بر این‌که او شاگرد یونس بن عبدالرحمن و از اصحاب امام رضا علیه‌السلام است، در این امر تردید می‌ورزد <sup>۱۵۲</sup> و می‌نویسد:

«دیدار راویان با امام علیه‌السلام از فعل (رای) استفاده نموده است، او هیچ‌گاه به دنبال این فعل، روایت کردن شخص از امام علیه‌السلام (روی) را متذکر نشده است. او درباره یونس بن عبدالرحمن به عدم روایت وی از امام تصریح می‌کند: «آنچه رأی جعفر بن محمد علیه‌السلام بین الصفا و المروة و لم یرو عنه» (رجال النجاشی، ش ۱۲۰۸، ص ۴۴۶). نیز درباره علی بن علی بن زرین به نقل از اسماعیل، فرزند وی، می‌نویسد: «رای موسی علیه‌السلام و لقی الرضا علیه‌السلام». از شرح حال نامبرده به روایت او از امام رضا علیه‌السلام پی می‌بریم (ش ۷۲۷، ص ۲۷۷).

۱۴۷. همان، شماره‌های ۱۱۶۴، ۷، ۱۱۶۴، ۷۴۱، ۷۱۵، ۳۲۸ و ...

۱۴۸. همان، ش ۳۱۸، ص ۱۲۳.

۱۴۹. همان، ش ۹۳۱، ص ۳۴۵.

۱۵۰. همان، ش ۳۰۶، ص ۱۲۰.

۱۵۱. همان، ش ۳۰۶، ص ۱۲۰.

۱۵۲. برخی تردید نجاشی را در روایت ابراهیم بن هاشم بلا واسطه یا با واسطه از یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه‌السلام می‌دانند و

ابوالحسن بغدادی سوری بز از اساتید نجاشی درباره اسانیدی که در آن حسین بن سعید از فضالة بن ایوب ازدی روایت نموده به نجاشی می‌گوید: هر سندی که در آن حسین بن سعید از فضاله روایت نقل کرده است، اشتباه است؛ زیرا، حسین به واسطه برادرش، حسن، از فضالة روایت می‌کرده و او هیچ‌گاه فضالة را ملاقات نموده و برادرش حسن به نقل روایت از فضالة متفرد است و این که با اسانید مختلف از حسین بن سعید از فضالة روایت می‌کنند، نادرست است. ۱۵۴

بیان امکان روایت راوی از معصوم

اگر مؤلفی از معاصران امامان باشد، نجاشی معمولاً روشن می‌سازد که آیا برای وی امکان روایت از امام بوده است یا خیر و اگر وی محضر چند امام را درک کرده است، بیشتر از کدام امام روایت نموده است. آیا روایات او بدون واسطه از امام انجام گرفته یا با واسطه. همچنین نجاشی گاه اقوال پیشینیان در این امور را مورد تردید قرار می‌دهد.

ابان بن تغلب بن رباح محضر سه امام، امامان سجاده، باقر و صادق را درک و از هر سه ایشان روایت نقل کرده است. ۱۵۵

یونس بن عبدالرحمن، امام صادق را در مکه دیده است اما از ایشان روایت نقل نکرده است. او از امامان کاظم و رضا روایت کرده است. ۱۵۶

نجاشی روایت حریر بن عبدالله سجستانی از امام کاظم را درست نمی‌داند و می‌گوید حریر در زمان امام صادق در واقعه سجستان درگذشته است. ۱۵۷

همچنین روایت لوط بن یحیی از امام باقر را صحیح نمی‌داند. ۱۵۸

نجاشی سنخ پیشینیان مبنی بر روایت عبدالله بن سنان از امام کاظم و روایت عبدالله بن مسکان از امام صادق را کلامی استوار نمی‌داند. ۱۶۰

نجاشی از حکایتی که احمد بن حسین (ابن غضایری) بر اساس آنچه که در بعضی کتاب‌ها یافته در این باره که سماعه بن مهران در زمان امام صادق بدرود حیات گفته است، اظهار تعجب کرده و بیان داشته که سماعه از امام کاظم نیز روایت نقل کرده است. ۱۶۱

معتقدند، نجاشی ملاقات وی با ایشان را انکار نکرده است (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷). لازم به ذکر است شیخ طوسی در کتاب رجال خود نامبرده را در شمار اصحاب امام رضا ذکر و او را شاگرد یونس بن عبدالرحمن دانسته است (ص ۳۵۳).

۱۵۳. رجال النجاشی، ش ۱۸، ص ۱۶. . . . همان، ش ۸۵۰، ص ۳۱۰.

۱۵۵. همان، ش ۷، ص ۱۰. . . . همان، ش ۱۲۰۸، ص ۴۴۶.

۱۵۷. همان، ش ۳۷۵، ص ۱۴۴. . . . همان، ش ۸۷۵، ص ۳۲۰.

۱۵۹. همان، ش ۵۵۸، ص ۲۱۴. . . . همان، ش ۵۵۹، ص ۲۱۴.

۱۶۱. همان، ش ۵۱۷، ص ۱۹۴.

نجاشی دربارهٔ روایت صالح بن عقبه بن قیس و علی بن سوید سائی از امام صادق علیه السلام با تعبیری چون «الله اعلم» و «لیس اعلم» تردید خود را ابراز داشته است.<sup>۱۶۲</sup> او گاه به اختلاف نظر پیشینیان در این زمینه می‌پردازد و می‌نویسد:

ابومالک حضرمی، امام صادق علیه السلام را درک کرده، اما دربارهٔ روایت نامبرده از ایشان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی روایت او از امام صادق علیه السلام را پذیرفته و گروه دیگر آن را نپذیرفته‌اند.<sup>۱۶۳</sup> نجاشی ماجرای ملاقات سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف اشعری با امام حسن عسکری علیه السلام و روایت او از ایشان را که از جانب یکی از شیعیان بیان شده، ضعیف و مجعول دانسته است. از تعبیر «بعض اصحابنا» به اختلاف نظر پیشینیان در این موضوع پی می‌بریم.<sup>۱۶۴</sup> نجاشی در پایان عدم آگاهی قطعی خود را با تعبیر «الله اعلم» بیان می‌دارد.<sup>۱۶۵</sup>

از آن جا که نجاشی بیشتر مواقع به روایت راوی از معصوم علیه السلام توجه دارد، برخی را نظر بر این است که هر جا نجاشی تصریح به روایت راوی از معصوم علیه السلام نکرده، نشان از عدم روایت راوی از معصوم علیه السلام است.<sup>۱۶۶</sup>

### ۷. مؤتلف و مختلف در عناوین نویسندگان

مؤتلف و مختلف به اسامی ای گفته می‌شود که در سلسله سند، دوگونه می‌توان خواند؛ مانند «جریر» و «حریر» و این خود، نوعی از تصحیف در سند است.<sup>۱۶۷</sup> به عبارت دیگر، اسامی مؤتلف و مختلف به اسامی مشابهی گفته می‌شود که اولاً یک مسما دارد و به یک نفر برمی‌گردد؛ ثانیاً، به مرور زمان و در اسناد روایات، به عمد یا از روی غفلت دستخوش تصحیف و تبدیل شده‌اند به گونه‌ای که در سندی نام اصلی و در سند دیگر نام تصحیف شده آمده است.

حسین بن عنبسه صوفی و حسن بن عنبسه صوفی دو عنوانی است که در اساتید روایات آمده و نجاشی هر دو نام را بدون تذکر به وحدت مسماها، ذکر کرده است.<sup>۱۶۸</sup> ظاهراً حسن تصحیف شده نام حسین است.<sup>۱۶۹</sup>

همچنین او دو عنوان عمر ابوحفص رمانی،<sup>۱۷۰</sup> و عمر ابوحفص زبالی<sup>۱۷۱</sup> را بدون تذکر به وحدت مسماها و وقوع تصحیف در آن ذکر کرده است.

### ۸. تمییز مشترکات

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۱۶۲. همان، ش ۵۳۲، ص ۲۰۰، ش ۷۲۴، ص ۲۷۶.   | ۱۶۳. همان، ش ۵۴۶، ص ۲۰۵.              |
| ۱۶۴. شیخ طوسی در کتاب رجال، نامبرده را معاصر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> می‌داند اما دربارهٔ روایت او از ایشان اظهار بی‌اطلاعی می‌کند (ص ۳۹۹). | ۱۶۵. رجال‌النجاشی، ش ۴۶۷، ص ۱۷۷.      |
| ۱۶۶. الرواضع السماویة، ص ۶۷.   | ۱۶۷. علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۷۷. |
| ۱۶۸. رجال‌النجاشی، ش ۱۴۲، ص ۶۱، ش ۱۵۸، ص ۶۷.   | ۱۶۹. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۳۱۴.        |
| ۱۷۰. رجال‌النجاشی، ش ۷۵۷، ص ۲۸۵.   | ۱۷۱. همان، ش ۷۶۰، ص ۲۸۵.              |

تمییز مشترکات، عموماً دربارهٔ تشخیص اسم‌های مشترک میان دو یا چند نفر به کار می‌رود. این مسأله زمانی اهمیت می‌یابد که برخی از آن افراد توثیق و برخی دیگر تضعیف شده باشند؛ این جاست که تشخیص این گونه اسامی ضرورت می‌یابد.

نجاشی در فهرست خود از این امر غافل نبوده، او در چند مورد به تمییز اسامی مشترک میان راویان و نویسندگان پرداخته است:

حسن بن حسین لؤلؤی که فرزندی به نام احمد دارد غیز از حسن بن حسین لؤلؤی معروف است.<sup>۱۷۲</sup>

علی بن عبدالله بن محمد معروف به خدیجی اصغر است. ضمناً در اسناد روایات، نام خدیجی دیگری آمده که او را به نام خدیجی اکبر می‌شناسند، نام او علی بن عبدالمنعم بن هارون است.<sup>۱۷۳</sup> عمرو بن الیاس، نوه عمرو بن الیاس بجلی مذکور در شماره قبل از آن<sup>۱۷۴</sup> است.<sup>۱۷۵</sup>

مسأله تمییز مشترکات ذیل نام محمد بن قیس که مشترک بین اشخاص ثقه و ضعیف است به روشنی نمایان است. نجاشی ذیل نام محمد بن قیس، ابونصر اسدی می‌نویسد: محمد بن قیس بجلی دیگری نیز وجود دارد<sup>۱۷۶</sup> که کتابش مانند کتاب ابونصر اسدی است، همچنین نام‌های محمد بن قیس ابوعبدالله اسدی که خصیص و ممدوح است و محمد بن قیس ابواحمد اسدی که ضعیف است در اسناد روایات آمده است.<sup>۱۷۷</sup>

#### ۹. توضیح و تبیین معانی برخی از اصطلاحات، گروه‌ها، نام‌ها و واژگان

نجاشی گاه به مناسبت از اصطلاحات، گروه‌ها و بعضی واژگان یاد کرده و به تبیین و معنای آنها پرداخته است. او نام «دبة الشیب» را به عنوان نام معروف کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی نزد قمی‌ها ذکر و معنای لغوی آن را بیان می‌کند و می‌نویسد:

شیب، شخصی بی‌سواد در قم بوده که دبه‌ای خانه‌خانه داشته است که از خانه‌های مزبور به مشتریان روغن می‌داده است و کتاب مذکور را بدان تشبیه کرده‌اند.<sup>۱۷۸</sup>

نجاشی به معرفی بعضی گروه‌ها نیز پرداخته؛ از جمله، زبیریون<sup>۱۷۹</sup> و سلمانیه<sup>۱۸۰</sup>.

۱۷۲. همان، ش ۱۸۵، ص ۷۸.

۱۷۳. همان، ش ۷۷۲، ص ۲۸۸.

۱۷۴. این نام بلافاصله در شماره بعدی آمده و مورد توثیق واقع شده است (رجال‌النجاشی، ش ۸۸۱، ص ۳۲۳).

۱۷۵. رجال‌النجاشی، ش ۸۸۰، ص ۳۲۳.

۱۷۶. همان، ش ۷۵۷، ص ۲۲۰.

زبیریون سه نفر به نام‌های ابومحمد زبیری، عبدالله بن عبدالرحمن زبیری و محمد بن عمرو بن عبدالله بن مصعب بن زبیر بودند (همان، ص ۲۲۰).

۱۸۰. همان، ش ۶۶۸، ص ۲۵۵.

سلمانیه، از غلات معتقد به الوهیت سلمان فارسی بودند (تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، ص ۱۷۷).

نجاشی به نقل از کلینی «عدة» او از احمد بن محمد بن عیسی را تبیین می‌کند.<sup>۱۸۱</sup>  
نجاشی گاه معانی واژگان را نیز ذکر می‌کند.<sup>۱۸۲</sup>

### ۱۰. اشاره به مناطق جغرافیایی

نجاشی در جای جای فهرست و به مناسبت‌های مختلفی چون؛ خاستگاه مؤلف، محل سکونت و مدفن او از بیشتر شهرها و مناطق و قبایل اسلامی یاد می‌کند و بیشتر اوقات موقعیت جغرافیایی مناطق مذکور را بیان می‌دارد. نمونه‌هایی از این نوع به شرح ذیل است:  
«از دورقان» نام روستایی در اطراف ری است،<sup>۱۸۳</sup> بجیله نام منطقه‌ای در کوفه است،<sup>۱۸۴</sup> بوفک روستایی از قرای نیشابور است.<sup>۱۸۵</sup> نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: شماره‌های ۱۰۷۷، ۱۰۴۴، ۹۱۰، ۸۴۲، ۶۹۱، ۳۳۹ و....

### ۱۱. کمبودها و مسامحه‌ها

نجاشی در فهرست، وقتی که از یکی از اجدادش به نام عبدالله بن نجاشی یاد می‌کند می‌نویسد:  
لم یر لابی عبدالله مصنف<sup>۱۸۶</sup> غیره.<sup>۱۸۷</sup>  
بدین ترتیب او فقط یک کتاب به امام صادق<sup>ع</sup> نسبت می‌دهد. ظاهراً این گفته نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا، مؤلفات امام صادق<sup>ع</sup> بنا بر نقل برخی به بیست و چهار اثر می‌رسد.<sup>۱۸۸</sup>  
نجاشی شخصی به نام صاحب زنج را از جمله راویان محمد بن حسن بن عبدالله جعفری که از امام صادق<sup>ع</sup> روایت کرده دانسته، این در حالی است که امام<sup>ع</sup> به سال ۱۴۸ق، به شهادت رسیده و صاحب زنج<sup>ع</sup> در سال ۲۷۰ق. به قتل رسید. لذا امکان روایت او از محمد بن حسن جعفری وجود ندارد.<sup>۱۹۰</sup>  
نجاشی گاه بعضی مؤلفات مهم اشخاص را ذیل نام آنان ذکر نکرده است، او از فهرست‌های حمید بن زیاد و محمد بن حسن بن ولید ذیل نام‌هایشان یاد نکرده است، در حالی که این دو اثر از مهم‌ترین منابع وی در امر کتاب‌شناسی مؤلفان بوده است.

۱۸۱. همان، شماره‌های ۸۲۵، ۸۰۳، ۲۴۸.

۱۸۱. رجال‌النجاشی، ش ۱۰۲۶، ص ۳۷۸.

۱۸۲. همان، ش ۳۰۴، ص ۴۸۲.

۱۸۳. همان، ش ۴۹۸، ص ۱۸۷.

۱۸۴. همان، ش ۸۲۸، ص ۳۰۳.

۱۸۵. منظور نجاشی از «مصنف» در این عبارت روشن نیست؛ اما ظاهراً مراد، مکتوبات امام صادق<sup>ع</sup> است اعم از: نسخه، مسائل و رسایل. گفتنی است مصنف مذکور رساله اهوازیه نام دارد که حضرت آن را برای والی اهواز، عبدالله بن نجاشی، نگاشتند.

۱۸۶. مکتوبات حدیثی ائمه، ص ۱۰.

۱۸۷. رجال‌النجاشی، ش ۲۵۳، ص ۱۰۱.

۱۸۸. علی بن محمد بن احمد بن عیسی معروف به صاحب زنج، به سال ۲۵۵ هجری در بصره خروج و ادعای امامت، معجزه و حتی نزول وحی نمود. (ر.ک: معارف و معارف، ج ۶، ص ۶۲۷).

۱۹۰. مقدمه بر رجال‌النجاشی، ج ۳، ص ۴۳۸.

او نام برخی مؤلفان مشهور را در فهرست خود بیان نکرده است؛ همچون، حسن بن محبوب صاحب کتاب المشیخه و احمد بن حسین بن غضایری صاحب کتاب‌هایی چون: فهرست اصول، فهرست مصنفات، ۱۹۱ تاریخ، ۱۹۲ الضعفاء و المذمومین و الثقات و المدوحین. ۱۹۳ وجود بیست و سه عنوان مکرر در فهرست نیز پاره‌ای دیگر از تسامحات نجاشی محسوب می‌شود. برخی از عناوین مکرر بدین قرار است: ابان بن محمد بجلي (ش ۱۱) و سندی بن محمد (ش ۴۹۷)، منبه بن عبدالله ابوالجوزاء تمیمی (ش ۱۱۲۹) و ابوالجوزاء تمیمی (ش ۱۲۵۲)، بسطام بن سابور زیات (ش ۲۸۰)، بسطام بن سابور (ش ۲۸۳) و ...

#### نتیجه

نجاشی در شرح حال صاحبان کتاب‌ها، مسائل زیادی از جمله عصر و طبقه مؤلف، مولد و موطن، محل وفات، نسب و خاندان، آثار و مؤلفات و کیفیت نسخه‌های مختلف آثار را آورده است. اطلاعاتی که نجاشی درباره مؤلفات اشخاص ارائه داده، بسیار دقیق و موثکافانه است. او در انتساب آثار به اشخاص دقت نظر خاصی دارد و با کاوش‌های خود نتیجه می‌گیرد که فلان شخص صاحب اثری بوده و دیگری اصلاً نویسنده نبوده است. او نسخه‌های مختلف آثار را معرفی کرده است، گاه از آثار و کتاب‌ها تمجید نموده و گاه به ساختگی یا فاسد و پوچ بودن مطالب کتاب‌ها می‌پردازد. نجاشی گاه در کسب اطلاعات تکمیلی پیرامون مؤلفات اشخاص به مطالعات میدانی دست می‌زند و در این راستا از مشاهدات خود و دیگران یاری می‌جوید.

نجاشی همواره کوشش دارد که به نوعی طبقه مؤلفان را مشخص نماید. روش نجاشی در یادکرد طرق این گونه است که معمولاً یک طریق را ذکر می‌کند و طرق ضعیف و مجهول را نیز معرفی می‌نماید.

#### کتابنامه

- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، اول، ۱۳۷۴ ش.
- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، محمدجواد مشکور، کتابفروشی اشراقی، چهارم، ۱۳۶۸ ش.
- «تحقیق درباره کتاب کافی»، محمد واعظزاده خراسانی، نامه آستان قدس، ۱۳۳۹، ش ۳ و ۱۳۴۰، ش ۵.
- تنقیح المقال فی احوال الرجال، عبدالله مامقانی (۱۸۷۲؟ - ۱۹۳۲)، نجف: مطبعة مرتضوی، ۱۳۵۲ ق.
- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، محمدعلی موحد ابطحی، قم: مطبعة سیدالشهدا، ۱۳۵۲ ق.

۱۹۲. رجال النجاشی، ص ۷۷.

۱۹۱. الفهرست، ص ۲.

۱۹۳. مقدمة الرجال لابن غضایری، ص ۱۳-۱۴.



- دوم، ۱۴۱۷ق.
- الرجال، احمد بن حسین بن غضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تصحیح: محمّدصادق بحرالعلوم، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق)، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، هفتم، ۱۴۲۴ق.
- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
- الفوائد الوحید البیهانی، محمّد باقر بن محمّد اکمل وحید بهبهانی (۱۱۱۸؟ - ۱۲۰۵ق)، تحقیق: محمّدصادق بحرالعلوم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ شده ضمن رجال خاقانی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- الفهرست، محمّد بن حسن طوسی، تحقیق: محمّدصادق بحرالعلوم، نجف: مکتبة المرتضویة، بی تا.
- فهرست نویسی، اصول ارزش‌ها، رحمت‌الله فتاحی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی سوم، ۱۳۷۹ش.
- قاموس الرجال، محمّد تقی شوشتری (۱۲۸۲ - ۱۳۷۴ش)، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹ش.
- مسند نویسی در تاریخ حدیث، کاظم طباطبایی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۷ش.
- مشیخة النجاشی، محمود دریاب نجفی، قم: دارالکتاب، اول، ۱۴۱۳ق.
- معجم رجال الحدیث شیعه، ابوالقاسم خویی (۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ش)، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- معجم علوم الحدیث النبوی، عبدالرحمن بن ابراهیم خمیسی، بیروت: دار ابن حزم، سعودیه: دارالاندلس الخضراء، اول، ۱۴۲۱ق.
- مقياس الهداية في علم الدراية، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۱ق.
- مقدمة الرجال لابن الغضائري، محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- مقدمه بر رجال النجاشی، عبدالله شرف‌الدین، بیروت: الارشاد للطباعة و النشر، اول، ۱۴۱۱ق.
- «مکتوبات حدیثی ائمه علیهم السلام»، مهدی مهریزی، میراث حدیث شیعه، دارالحدیث، ۱۳۸۲ش، دفتر ۹.
- نهاية الدراية، حسن صدر عاملی کاظمی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ق)، تحقیق: ماجد غرباوی، بی جا، نشر المشعر، بی تا.